

وصلى الله على سيدنا
محمد وآله الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين

كتاب الخمس

جلسه ششم: فيما يجب فيه الخمس

٩٧/١٠/٢٥

١. اصل وجوب الخمس

٢. فيما يجب فيه الخمس

٢.١. غنائم دار الحرب

٢.٢. المعدن

٢.٣. الكنز

٢.٤. الغوص

٢.٥. ربح المكسب (ما يفضل عن مئونة السنة)

٢.٦. ارض الذمي اذا اشترى من مسلم

٢.٧. الحلال الممتزج بالحرام

٣. في قسمته

٣.١. سهم الامام

٣.٢. سهم السادات

[فصل فيما يجب فيه الخمس]

فصل فيما يجب فيه الخمس و هو سبعة أشياء:

الأوّل: الغنائم المأخوذة من الكفّار من أهل الحرب قهراً بالمقاتلة معهم يكون بإذن الإمام عليه السلام؛ من غير فرق بين ما حواه العسكر و ما لم يحوه، و المنقول و غيره كالأراضي و الأشجار و نحوها

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ
السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ (الأنفال: ٤١)

بحث اصلی در این آیه معنای کلمه غنمتم است آیا به معنای مطلق فائده است یا به معنای غنیمت
جنگی است.

برای روشن شدن این بحث باید به منابع لغت مراجعه کنیم

تا اینجا سه معنا برای ماده غ ن م ذکر شد

۱- غ ن م : مطلق الفائده افاده شئی لم یملك من قبل / کل مظفور به من جهة العدى
و غیرهم) / الربح و الزیادة و النماء و الفاضل

۲- الغنم: الفوز بالشئی فی غیر مشقة

۳- الغنیمه و الغنم: النفل (غنیمت جنگی) / ما اخذ من مال المشركين بقهر و غلبة

• و التحقيق:

همان طور که از کلام ابن فارس بر می آید اصل معنای غنیمت عبارتست فایده بردن از مالی که قبلاً مالکش نبوده است.

– أصلٌ صحيحٌ واحدٌ يدلُّ على إفادة شيءٍ لم يملك من قبل

اما متعاقباً در معنای مالی که بعد از پیروزی در میدان جنگ از مشرکین اخذ شده باشد بکار رفته و بدان اختصاص می یابد.

ثم يختصّ به ما أخذ من مال المشركين بقهرٍ و غلبة. قال الله تعالى: وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ

باید توجه داشت که با توجه به دو فعل مضارع که در کلام ابن فارس بکار رفته (یدل و یختص) این بدان معناست که ماده غنم توانایی حمل هر دو معنا را دارد و در هر دو معنا حقیقت است. پس این کلمه مشترک بین دو معنای عام و خاص است و برای تعیین هر معنا احتیاج به قرینه است. به ویژه آن که ظاهر کلام او این است که غنمتم در آیه مذکور به معنای خاص یعنی غنیمة الحرب بکار رفته است.

• و التحقيق:

نیز باید توجه داشت که در صورتی که یک ماده در اصل معنایی داشته باشد که ریشه اشتراک معنوی آن باشد و در عین حال در معنایی خاص نیز بکار رود. تعیین این که بعد از این دو استعمال کدام حقیقت و کدام مجاز است با تبادل عرفی بوده و سه صورت محتمل است:

اول این که در اصل معنایی عام داشته بعد در کنار معنای عام در معنای خاص نیز به طور یکسان بکار رفته است. نظیر کلمه مدینه که کاربرد آن در معنای عام و در معنای خاص هر دو حقیقت است.

دوم این که در اصل معنایی عام داشته بعد در معنای خاص وضع شده و سپس معنای عام آن از حالت حقیقی خارج یا مهجور شده است. مثل کلمه صلوة به معنای عام دعا و به معنای خاص نماز. در این فرض معنای عام اول تبدیل به مجاز می شود گرچه در زمانی حقیقت بوده است. و

صورت سوم آن است که اصل معنا چنان قوت داشته باشد که اجازه انعقاد ظهور در معنای دوم را بدون قرینه ندهد. در اینجا معنای اصل حقیقت بوده و معنای دوم مجاز است. (نظیر کلمه دخان که به معنای دود است ولی به طور مجاز به معنای دشمنی

به نظر نگارنده سطور از مجموع کلمات اهل لغت در کنار آنچه در بالا ذکر شد چنین استنباط می‌شود که ماده غنم دارای دو معنا یکی اصلی و دیگری اشتقاقی است و در هر دو معنا حقیقت است.

معنای اصلی ماده غنم به معنای فایده بردن از مالی که قبلاً مالکش نبوده است و

معنای اشتقاقی آن به معنای مالی است که در میدان جنگ بر اثر شکست دشمن بدست آید.

بنابر این غنم مشترک لفظی است و برای تعیین هر یک از معانی احتیاج به قرینه داریم.

معنای «الفوز بلا مشقة» نیز همان معنای عام است که مقید به بلا مشقة شده است.

اما کلام طریحی که غنیمت را در اصل به معنای فائده مکتسبه دانسته
است (الْغَنِيْمَةُ فِي الْأَصْلِ هِيَ الْفَائِدَةُ الْمَكْتَسِبَةُ)

اگر مرادش از اکتساب معنای دقیق کلمه باشد یعنی تلاش یا مشقت
برای تحصیل ربح، این معنا در کلمات لغویون متقدم وجود نداشته و به
نظر می‌رسد حاصل ترشحات مباحث فقهی متأخر است.

اما اگر مراد از آن مطلق دستیابی باشد (طلبه و ربحه) کلام او با کلام ابن
فارس همسان می‌شود چون طریحی نیز در ادامه کلامش به معنای
غنیمة الحرب تصریح کرده است.

از همین جا معلوم می‌شود که کلام محقق مصطفوی گرچه صحیح است که غنیمت جنگی از مصادیق معنای اصلی است ولی این دلیل نمی‌شود که معنای غنیمت جنگی را معنایی مصداقی یا فرعی یا مجازی بدانیم و در همه جا غنیمت را به معنای اصل بگیریم. بلکه قبل از این نتیجه‌گیری باید معلوم شود که مستند ما در حقیقی نبودن معنای غنیمت جنگی چیست؟ کلمات اهل لغت با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد بر اشتراک لفظی بودن کلمه غنیمت بین دو معنای فایده (معنای عام) و غنیمت جنگی (معنای خاص) دلالت دارد. و ابن فارس که به معنای عام به عنوان معنای اصل نیز اشاره کرده، کلمه غنمتم در آیه خمس را ظاهر در معنای غنیمت جنگی (معنای خاص) دانسته است. امری که محقق مصطفوی خلاف آن را بیان داشته است.

اما در اینجا یک نکته باقی است که باید حل شود و آن این که

برخی از اهل لغت معنای عام العُثم را «الفوز بالشیء بلا مشقة» ذکر کرده‌اند به نظر می‌رسد منشأ آن کلام خلیل باشد و لیث نیز از او نقل کرده است.

ولی ابن فارس گفته «افادة شیء لم یملک من قبل»

ممکن است بگوییم منظور خلیل از «فی غیر مشقة» همان فاضل و نماء است که بدون مشقة حاصل می‌گردد. شاهد این امر آنست که بسیاری از اهل لغت به یکی از این دو معنا اشاره کرده‌اند و تنها در کلام ابن منظور است که هر سه معنا را آورده بعد از او نیز صرفاً در کلمات زبیدی صاحب تاج العروس هر سه معنا آمده و بقیه اهل لغت صرفاً به دو معنا اشاره کرده‌اند یا معنای اول و سوم یا معنای دوم و سوم.

این احتمال که معنای اول و دوم تفسیر یک معنا باشد بسیار زیاد است. در عین حال فرق دقیقی بین معنای اول و دوم وجود دارد.

□ معنای اول (مطلق الفائدة) هر فائده‌ای را شامل می‌شود اعم از این که راحت بدست آمده باشد مثل هبه، ارث و کسب ساده یا با مشقت بدست آمده باشد مثل اکتساب و کار سخت مثل برخی معادن.

□ معنای دوم (الفوز بلامشقة) فقط دستیابی‌های بدون مشقت را شامل می‌شود.

نکته دیگر این که همه کسانی که معنای دوم را آورده‌اند آن را معنای کلمه الغنم به ضم اول و سکون ثانی قرار داده‌اند نه معنای کلمه الغنیمه.

نتیجه: دو معنا برای این کلمه وجود دارد: یکی که بین معنای اول و دوم مردد است و معنای سوم که غنیمت جنگی است.

با این استدلال لغوی ابتدا وارد مباحث قرانی و سپس مباحث حدیثی می‌شویم و معنای غنیمت را در کتاب و سنت بررسی می‌کنیم.

الخلاصة:

مادة غنم يغنم مشتركة لفظية بين معنيين: الاول الفائدة والثاني غنيمة الحرب لانّ اصل المعنى في الغنيمة الفائدة ثمّ قد صرح ابن فارس ان هذا الاصل يختص بغنيمة الحرب كما في آية الخمس فكان استعماله في المعنيين حقيقياً يجتاج تعيينه الى القرينة.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ
السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ
قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (النساء-٩٤)

و الحمد لله رب العالمين